

The Effect Of Artistic Activities On Improving Social Interactions Of Students With Autism Spectrum Disorder: Analysis Of The Mediating Role Of Empathy

Maryam. Esfahani^{*1}, Fatemeh Matlobi², Esmaeel Barghi³

¹ Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran

² Graduated with a Master's degree in Educational Sciences from Tehran University of Science and Research, Iran

³ Assistant Professor, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Doctorate in Psychology and Education of Exceptional Children. Tehran, Iran

ABSTRACT

Keywords:

Artistic
Activities
Improving
Social
Interactions
Autism
Empathy

1 .
Corresponding
author
✉
Esfahani.m.909
6@cfu.ac.ir

Background and Objectives: The aim of this article is to investigate the effect of artistic activities on improving social interactions of students with autism spectrum disorder, by analyzing the mediating role of empathy. **Methods:** The present research method was a descriptive structural equation modeling type. The statistical population included all students with autism spectrum disorder in Tehran in 1404 who had participated in painting courses for at least one year. 90 people were selected as a sample using purposive sampling. To collect data, the questionnaires of Social Skills Profile for Children with Autism Spectrum Disorder (Bellini and Hopf, 2007), Child and Adolescent Empathy (Khosravi Larijani et al., 2019), and Artistic Education (Entezami, Naraghi, and Naderi, 2017), which had acceptable validity and reliability, were used. The data were analyzed using descriptive and inferential statistical methods, including correlation coefficient, path analysis, and structural equation modeling. **Findings:** The results showed that artistic activities had a significant effect on improving social interactions in children with autism spectrum disorder ($p \geq 0.05$). Artistic activities had a significant effect on increasing empathy in children with autism spectrum disorder ($p \geq 0.05$). Empathy had a significant effect on social interactions in children with autism spectrum disorder ($p \geq 0.05$). Also, the results of the structural equation model showed that the empathy variable had a mediating role in the effect of artistic activities on improving social interactions of students with autism spectrum disorder ($p \geq 0.05$). **Conclusion:** Overall, it can be concluded that improving and promoting artistic and empathy activities can directly lead to improved social interactions of students with autism spectrum disorder.



تأثیر فعالیت‌های هنری بر بهبود تعاملات اجتماعی دانش‌آموزان با اختلال

طیف اتیسم: تحلیل نقش میانجی همدلی

مریم اصفهانی^{۱*}، فاطمه مطلوبی^۲ اسماعیل برقی^۳

۱. گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵ تهران، ایران.

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و تحقیقات تهران ایران

۳. استاد یار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات دکتری روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی

چکیده

زمینه و هدف: مقاله حاضر باهدف بررسی تأثیر فعالیت‌های هنری بر بهبود تعاملات اجتماعی دانش‌آموزان با اختلال طیف اتیسم، با تحلیل نقش میانجی همدلی انجام شده است. **روش:** روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان با اختلال طیف اتیسم شهر تهران در سال ۱۴۰۴ بودند که در دوره‌های آموزش نقاشی حداقل به مدت یک سال شرکت کرده بودند که با روش نمونه‌گیری هدفمند ۹۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های نیم‌رخ مهارت‌های اجتماعی کودکان با اختلال طیف اتیسم بلینی و هاپف (۲۰۰۷)، همدلی کودک و نوجوان خسروی لاریجانی و همکاران (۱۳۹۹)، و تربیت هنری انتظامی، نراقی و نادری (۱۳۹۶) که دارای روایی و پایایی قابل قبولی بودند، استفاده شد. داده‌ها با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی شامل ضریب همبستگی، تحلیل مسیر، مدل معادلات ساختاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که فعالیت‌های هنری بر بهبود تعاملات اجتماعی کودکان با اختلال طیف اتیسم تأثیر معناداری داشت ($p \leq 0/05$). فعالیت‌های هنری بر افزایش همدلی در کودکان با اختلال طیف اتیسم تأثیر معناداری داشت ($p \leq 0/05$). همدلی بر تعاملات اجتماعی کودکان با اختلال طیف اتیسم تأثیر معناداری داشت ($p \leq 0/05$). همچنین نتایج مدل معادلات ساختاری نشان داد که متغیر همدلی نقش میانجی‌گرانه را در تأثیر فعالیت‌های هنری بر بهبود تعاملات اجتماعی دانش‌آموزان با اختلال طیف اتیسم داشت ($p \leq 0/05$). **نتیجه‌گیری:** در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که بهبود و ارتقاء فعالیت‌های هنری و همدلی می‌تواند به شکل مستقیم منجر به بهبود تعاملات اجتماعی دانش‌آموزان با اختلال طیف اتیسم گردد.

DOI:10.48310/rsse.
2026.22473.1356

واژه‌های کلیدی:

فعالیت‌های هنری

بهبود تعاملات اجتماعی

اوتیسم

همدلی

۱. نویسنده مسئول

Esfahani.m.9096.@cf
u.ac.ir[✉]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۲۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۱/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۱/۱۳

شماره صفحات: ۳۱

مقدمه

اختلال طیف اتیسم^۱ یکی از پیچیده‌ترین اختلالات رشدی-عصبی^۲ است و روند شیوع آن در بسیاری از کشورها رو به افزایش است؛ بنابراین پرداختن به نیازهای آموزشی دانش‌آموزان مبتلا به این اختلال، بیش از پیش ضرورت دارد. ویژگی اصلی اختلال طیف اتیسم، مشکلات پایدار در تعاملات اجتماعی، مهارت‌های ارتباطی و بروز الگوهای رفتاری محدود و تکراری است (APA^۳, 2013). این محدودیت‌ها علاوه بر کاهش کیفیت زندگی، می‌توانند باعث انزوای اجتماعی، افت تحصیلی و شکل‌گیری مشکلات ثانویه مانند اضطراب یا کاهش اعتمادبه‌نفس شوند (Alahmari 2025).

در سال‌های اخیر، توجه به روش‌های مداخله‌ای نوین برای ارتقای توانمندی‌های اجتماعی این کودکان افزایش یافته است. یکی از این رویکردها بهره‌گیری از فعالیت‌های هنری^۴ مانند نقاشی، موسیقی، تئاتر و سایر اشکال بیان هنری است. مطالعات نشان داده‌اند که فعالیت‌های هنری نه تنها امکان بیان غیرکلامی احساسات و کاهش اضطراب را فراهم می‌آورند، بلکه زمینه‌ای برای تمرین مهارت‌های اجتماعی در محیطی ایمن و لذت‌بخش ایجاد می‌کنند (مو و همکاران^۵، ۲۰۲۵؛ لوپز و اوریو^۶، ۲۰۲۴). افزون بر این، فعالیت‌های هنری می‌توانند نواحی مختلف مغز را فعال کرده و به بهبود عملکردهای شناختی و تنظیم هیجانی کمک کنند (Wright, 2023, Soares et al, 2021).

با این حال، آنچه کمتر مورد توجه قرار گرفته، بررسی سازوکارهای دقیق اثرگذاری فعالیت‌های هنری بر تعاملات اجتماعی است. یکی از عوامل کلیدی در این زمینه که می‌تواند نقش میانجی را ایفا کند، همدلی^۷ می‌باشد که به عنوان مهارتی بنیادی در روابط بین‌فردی مطرح می‌شود. همدلی توانایی درک و پاسخ به احساسات دیگران را شامل می‌شود و در کیفیت روابط اجتماعی نقش اساسی ایفا می‌کند (Vogel et al, 2025). پژوهش‌های اخیر نشان داده‌اند که کودکان با اختلال طیف اتیسم معمولاً در ابعاد مختلف همدلی دچار محدودیت هستند

1. autism spectrum disorder (ASD)

2. Neurodevelopmental disorders

3. American Psychiatric Association

4. Art Activities

5. Mo et al

6. Lopez-Escribano & Orio-Aparicio

7. Empathy

(Ross et al, 2020) و همین مسئله می‌تواند ارتباط میان فعالیت‌های هنری و تعاملات اجتماعی را از مسیر همدلی قابل تبیین سازد (Camilleri et al, 2024).

بیان مسئله

جامعه انسانی در عصر حاضر بیش‌ازپیش با چالش‌های متنوعی در حوزه تعلیم و تربیت افراد با نیازهای ویژه مواجه است. در این میان، کودکان و نوجوانان با اختلال طیف اتیسم^۱ بخش قابل توجهی از جمعیت دانش‌آموزان را تشکیل می‌دهند که به دلیل ماهیت پیچیده این اختلال، با دشواری‌های عمیقی در برقراری روابط اجتماعی سالم و مؤثر مواجه هستند (An, ۲۰۲۵). اختلال طیف اتیسم یکی از چالش‌برانگیزترین اختلالات رشدی-عصبی^۲ در قرن حاضر به شمار می‌رود که تأثیر عمیقی بر جنبه‌های شناختی، هیجانی و اجتماعی کودکان دارد. بر اساس گزارش سازمان بهداشت جهانی^۳ (۲۰۲۳)، حدود یک کودک از هر صد کودک در جهان با اختلال طیف اتیسم زندگی می‌کند، و نرخ شناسایی این اختلال در دو دهه اخیر در حال افزایش است. در ایران، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که تعداد کودکان شناسایی شده با این اختلال در دهه اخیر رشد قابل توجهی داشته است (Sa'adat Yar, 2024). روند صعودی شیوع اختلال طیف اتیسم در کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، ضرورت توسعه برنامه‌های آموزشی و مداخلات مؤثر را بیش‌ازپیش آشکار می‌سازد (Shaweisi et al, 2025).

کلمه اتیسم از واژه یونانی اتوس^۴ به معنای خود اکتباس شده است. هنری موزلی^۵ نخستین متخصصی بود که در سال ۱۸۶۷ به خردسالانی که اختلالات شدید روانی همراه با انحراف، تأخیر و دگرگونی بارز در فرایندهای رشدی داشتند، توجه نشان داد. واژه اتیسم به معنای امروزی برای اولین بار در سال ۱۹۴۳، توسط لئو کانر^۶ از طریق وصف ویژگی‌های رفتاری ۱۱ کودک که به نظر می‌رسید به لحاظ کیفی، با سایر کودکانی که دارای اختلال‌های روانی تفاوت دارند، با عنوان اتیسم کودکی مطرح شد (Ehyaee et al, 2024). اختلال طیف اتیسم عمدتاً در سه حوزه اصلی کمبودهای مداوم در برقراری ارتباط و تعامل اجتماعی^۷، الگوهای محدود و تکراری رفتار، علائق یا فعالیت‌ها، و حساسیت‌های حسی غیرمعمول تظاهر می‌یابد (American Psychiatric Association, 2013). به باور سانو^۸ و همکاران، اختلال طیف اتیسم به طور

1. autism spectrum disorder (ASD)

2. Neurodevelopmental disorders

3. World Health Organization (WHO)

4. Autis

5. Henry Maudsley

6. Leo Kanner

7. Social Interactions

8. Sano

کلاسیک با اختلال در تعامل اجتماعی، ارتباط اجتماعی، تخیل اجتماعی و با عملکرد پایین‌تر زبان همراه است که رشد و گسترش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی کودک را مختل می‌کند (Azizi et al, 2023). پلوگر^۱ (۲۰۱۶) اختلال طیف اتیسم را یک اختلال عصبی رشدی با دو معیار اصلی تشخیصی کمبودهای مداوم در ارتباطات اجتماعی، تعامل اجتماعی و الگوهای محدود و تکراری رفتار، علایق یا فعالیت‌ها می‌داند (Ploeger, 2021).

کودکان با اختلال طیف اتیسم معمولاً در برقراری تماس چشمی، تبادل هیجانی، درک زبان بدن و پاسخ‌دهی به نشانه‌های اجتماعی با دشواری روبه‌رو هستند (Schweizer et al., 2024). این ناتوانی‌ها سبب می‌شود که حتی در حضور دیگران، نتوانند روابط دوسویه و متقابل برقرار کنند و بیشتر به تعاملات یک‌سویه یا رفتارهای تکراری گرایش پیدا کنند (et al., 2013). White) که این عملکرد تأثیر عمیقی بر کیفیت زندگی، عملکرد تحصیلی، و انطباق کلی آن‌ها با محیط اجتماعی دارد (Guerrera et al. 2022). این محدودیت‌ها نه تنها بر روابط آن‌ها با همسالان و معلمان تأثیر می‌گذارد، بلکه می‌تواند منجر به انزوای اجتماعی، کاهش اعتماد به نفس، و بروز مشکلات رفتاری ثانویه شود (Deleon, 2024).

در حقیقت؛ در هر نظام آموزشی، عوامل متعددی با یکدیگر تعامل دارند تا یادگیری و یاددهی مؤثر باشد (azin et al, 2024) و در این میان، تعاملات اجتماعی به عنوان یکی از بنیادی‌ترین ابعاد رشد انسانی مطرح است که نقش مهمی در رشد روانی و اجتماعی (Eftekhari, 2025) و نقش کلیدی در رشد شناختی، هیجانی و اخلاقی دانش‌آموزان ایفا می‌کند (Vygotsky, 1978). در حقیقت، ارتباط اجتماعی اساس تکوین، تثبیت و تداوم جامعه را رقم زده و گسترش و تعالی فرهنگ را فراهم می‌سازد (morovat, 2025) برقراری ارتباط و تعامل مؤثر با دیگران مستلزم کسب مهارت‌های اجتماعی است که پیامد آن سلامت فردی و اجتماعی است (esmi josheghani, 2022). طبق دیدگاه ویگوتسکی (۱۹۷۸)، یادگیری از طریق فرایند اجتماعی و در «منطقه رشد تقریبی» اتفاق می‌افتد؛ یعنی کودک در تعامل با دیگران، به سطوح بالاتری از درک و رفتار اجتماعی دست می‌یابد. تعاملات اجتماعی سالم موجب رشد همدلی، مسئولیت‌پذیری، و توانایی سازگاری در موقعیت‌های بین‌فردی می‌شود (Dehman & Burton., 2021). در سال‌های اخیر، توجه به روش‌های مداخله‌ای نوین برای ارتقای توانمندی‌های اجتماعی این کودکان افزایش یافته است. یکی از این رویکردها بهره‌گیری از فعالیت‌های هنری^۲ مانند نقاشی، موسیقی، تئاتر و سایر اشکال بیان هنری است. مطالعات

1. Ploeger

2 . Art Activities

نشان داده‌اند که فعالیت‌های هنری نه تنها امکان بیان غیرکلامی احساسات و کاهش اضطراب را فراهم می‌آورند، بلکه زمینه‌ای برای تمرین مهارت‌های اجتماعی در محیطی ایمن و لذت‌بخش ایجاد می‌کنند (Mo et al., 2025؛ Lopez-Escribano & Orío-Aparicio, 2024). افزون بر این، فعالیت‌های هنری می‌توانند نواحی مختلف مغز را فعال کرده و به بهبود عملکردهای شناختی و تنظیم هیجانی کمک کنند (Wight et al., 2025؛ Suarez et al., 2021).

در حقیقت، تعامل اجتماعی، فرایندی چندبعدی و بنیادی در رشد انسان است که در کودکان با اختلال طیف اتیسم با ناهماهنگی قابل توجهی مواجه است. از آنجاکه این کودکان معمولاً در ارتباطات زبانی و هیجانی محدودیت دارند، بهره‌گیری از روش‌های جایگزین مانند فعالیت‌های هنری می‌تواند به عنوان ابزاری مؤثر برای ارتقای تعاملات اجتماعی عمل کند. همواره در طول تاریخ بشریت، هنر به منزله حوزه‌های کارآمد برای انتقال و تبیین معنا، توسعه معارف مختلف، برقراری ارتباط در جامعه و پرورش و تربیت انسان به کار گرفته شده است. (Sadeghi, 2023) هنر از طریق بیان غیرکلامی، برانگیختن هیجان‌ها و ایجاد زمینه‌های مشترک ارتباطی، به کودکان کمک می‌کند تا خود را ابراز کرده و ارتباط مؤثرتری با دیگران برقرار کنند. بدین ترتیب، می‌توان گفت که فعالیت‌های هنری نه تنها نقش درمانی، بلکه نقشی تحول‌آفرین در رشد اجتماعی و هیجانی کودکان با اختلال طیف اتیسم ایفا می‌کنند. تجربیات پژوهشی و بالینی نشان داده‌اند که رویکردهای سنتی آموزشی و درمانی، اگرچه در برخی موارد مفید بوده‌اند، اما اغلب در پاسخگویی به نیازهای پیچیده و چندبعدی کودک با اختلال طیف اتیسم کافی نیستند. در همین راستا، توجه به روش‌های مداخله‌ای که بتوانند به طور هم‌زمان جنبه‌های مختلف رشد این افراد را مورد هدف قرار دهند، اهمیت فزاینده‌ای یافته است. (Mo et al., 2025). این فعالیت‌ها دارای ویژگی‌های منحصربه‌فردی هستند که آن‌ها را برای کار با دانش‌آموزان با اختلال طیف اتیسم بسیار مناسب می‌سازد (López-Escribano & Orío-Aparicio, 2024). از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به ماهیت غیرکلامی آن‌ها، امکان بیان احساسات و تجربیات به شیوه‌ای ایمن و غیرتهدیدآمیز، فراهم کردن زمینه‌ای برای تمرین مهارت‌های اجتماعی در قالب فعالیت‌های لذت‌بخش، و توانایی تطبیق با سطوح مختلف توانایی و علایق فردی اشاره کرد (Moghaddam et al., 2016).

به تعبیری دیگر، عمق تأثیر فعالیت‌های هنری^۱ بر دانش‌آموزان با اختلال طیف اتیسم از آن رو حائز اهمیت است که این فعالیت‌ها قادرند جنبه‌های مختلف رشد فردی و اجتماعی را به طور هم‌زمان تحریک کنند. در سطح عصب‌شناختی، مشارکت در فعالیت‌های هنری منجر به

فعال‌شدن مناطق مختلف مغز، تقویت اتصالات عصبی، و بهبود عملکردهای اجرایی می‌شود (Soares et al., 2021). در سطح روان‌شناختی، این فعالیت‌ها زمینه‌ای برای کاهش اضطراب، بهبود تنظیم هیجانی و افزایش احساس خودکارآمدی فراهم می‌کنند (Wright., 2023). از منظر اجتماعی، فعالیت‌های هنری گروهی فرصت‌هایی برای تمرین مهارت‌های تعاملی، یادگیری قوانین اجتماعی و تجربه احساس تعلق به گروه ایجاد می‌کنند. این تأثیرات چندگانه و مکمل یکدیگر، فعالیت‌های هنری را به‌عنوان یک مداخله جامع و قدرتمند برای بهبود وضعیت کلی دانش‌آموزان با اختلال طیف اتیسم مطرح می‌کند (Zhang et al., 2022).

باین‌حال، آنچه کمتر مورد توجه قرار گرفته، بررسی سازوکارهای دقیق اثرگذاری فعالیت‌های هنری بر تعاملات اجتماعی است. یکی از عوامل کلیدی در این زمینه که می‌تواند نقش میانجی را ایفا کند، همدلی^۱ می‌باشد که به عنوان مهارتی بنیادی در روابط بین‌فردی مطرح می‌شود. همدلی توانایی درک و پاسخ به احساسات دیگران را شامل می‌شود و در کیفیت روابط اجتماعی نقش اساسی ایفا می‌کند (Vogel et al, 2025).

رابطه پیچیده میان فعالیت‌های هنری، همدلی، و تعاملات اجتماعی در دانش‌آموزان با اختلال طیف اتیسم، زمینه‌ای غنی برای تحقیق و بررسی فراهم می‌کند. فعالیت‌های هنری می‌توانند از طریق مسیرهای مختلفی بر توسعه همدلی تأثیر بگذارند (Schweizer et al., 2014). بیان هنری امکان کاوش و تجربه احساسات مختلف را در محیطی ایمن و کنترل‌شده فراهم می‌کند که این امر می‌تواند به تقویت آگاهی عاطفی و درک بهتر احساسات خود و دیگران منجر شود (Camilleri et al., 2024). علاوه بر این، فعالیت‌های هنری گروهی فرصت‌هایی برای مشاهده و تجربه واکنش‌های عاطفی همسالان ایجاد می‌کنند که این تجربیات می‌توانند به توسعه مهارت‌های همدلی کمک کنند (Abdulah et al., 2023).

پیشینه و چارچوب نظری

مرور ادبیات موضوع و بررسی وضعیت موجود نشان می‌دهد که اختلال طیف اتیسم یکی از مهم‌ترین اختلالات رشدی است که به طور مستقیم بر مهارت‌های ارتباطی، تعاملات اجتماعی و توانایی ایجاد و حفظ روابط مؤثر با دیگران تأثیر می‌گذارد. کودکان مبتلا به این اختلال معمولاً در شناسایی نشانه‌های اجتماعی، درک هیجانات دیگران، برقراری ارتباط کلامی و غیرکلامی و نیز ابراز هیجانات مناسب با چالش روبه‌رو هستند؛ بنابراین طراحی مداخلات آموزشی و توان‌بخشی که بتواند به بهبود تعاملات اجتماعی و افزایش همدلی در این گروه کمک کند،

ضرورتی انکارناپذیر است. فعالیت‌های هنری، به‌ویژه نقاشی و فعالیت‌های خلاقانه، با ایجاد فضایی برای ابراز هیجان، کاهش تنش، تقویت مشارکت، افزایش انگیزه و فراهم‌ساختن امکان برقراری ارتباط غیرکلامی، می‌توانند زمینه‌ای مؤثر برای رشد مهارت‌های اجتماعی در این کودکان ایجاد کنند. از سوی دیگر، همدلی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی تعامل اجتماعی، نقش میانجی معناداری میان فعالیت‌های هنری و بهبود رفتارهای اجتماعی ایفا می‌کند. نظریه همدلی-نوع‌دوستی^۱ که بیش از همه توسط باتسون مطرح شده، بر این ایده استوار است که همدلی می‌تواند انگیزه‌ای قدرتمند برای کمک‌رسانی باشد.

وقتی فرد خود را در جای دیگری تصور می‌کند، احساسات همدلانه برانگیخته شده و به کنش‌های نوع‌دوستانه منجر می‌شود. در مورد دانش‌آموزان با اختلال طیف اتیسم، اغلب محدودیت‌هایی در توسعه و بروز همدلی مشاهده می‌شود که این امر به طور مستقیم بر کیفیت روابط اجتماعی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. چالش‌های مربوط به همدلی در این گروه از افراد ممکن است شامل دشواری در تشخیص حالات عاطفی دیگران، درک دیدگاه‌های متفاوت، و ارائه پاسخ‌های عاطفی مناسب باشد (Russ et al., 2020). باوجود اهمیت موضوع، نتایج مرور پیشینه نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از پژوهش‌ها در ایران و خارج از کشور، بر جمعیت‌های عادی یا گروه‌های بدون نیازهای ویژه تمرکز داشته‌اند. این در حالی است که پژوهش روی کودکان با اختلال طیف اتیسم در زمینه روابط بین فعالیت‌های هنری، همدلی و تعاملات اجتماعی بسیار محدود است. قدملی زاده (۱۴۰۴) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی تأثیر فعالیت‌های نقاشی و هنر درمانی بر تقویت مهارت‌های ارتباطی و تعامل اجتماعی کودکان اتیسم»، به این نتیجه دست یافت که هنر درمانی و فعالیت‌های نقاشی نقش مهمی در کاهش اضطراب، بهبود خودپنداره و ارتقای توانایی‌های ارتباطی کودکان با اختلال طیف اتیسم دارند. همچنین شرکت منظم در جلسات هنر درمانی موجب افزایش مشارکت فعال، کاهش رفتارهای انزواطلبانه و پرخاشگرانه و تثبیت مهارت‌های اجتماعی می‌شود. بنابراین طراحی برنامه‌های هدفمند، منظم و گروهی مبتنی بر نقاشی و هنر درمانی می‌تواند اثربخشی این فعالیت‌ها را افزایش دهد و تجربه‌های مثبت اجتماعی را برای کودکان فراهم کند. (Ghodmalizadeh, 2025). یافته‌های پژوهش مرادی و همکاران (۱۴۰۱) دریک مطالعه مروری نظام مند نشان داد هنردرمانی می‌تواند موجب بهبود مهارت‌های شناختی، حرکتی، اجتماعی و تنظیم هیجانی در کودکان با اختلال طیف اتیسم شود. همچنین پژوهشگران تأکید کردند که ویژگی غیرکلامی هنر، آن را به ابزاری مؤثر برای تقویت ارتباط در این گروه از کودکان تبدیل می‌کند (Moradi et al, 2023).

1. Empathy-Altruism Hypothesis

2. Batson

بخشی و همکاران (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای با عنوان اثربخشی هنردرمانی بر مهارت‌های اجتماعی-ارتباطی، تنظیم هیجان و انعطاف پذیری رفتاری در کودکان مبتلا به اختلال‌های طیف اتیسم بیان کردند که هنردرمانی بر مهارت‌های اجتماعی-ارتباطی و مؤلفه‌های آن و مؤلفه‌های تنظیم هیجان و بی‌ثباتی/منفی‌گرایی و همچنین انعطاف پذیری رفتاری تأثیر مطلوب داشته است. بدین معنی که برنامه مداخله‌ای باعث بهبود مهارت‌های اجتماعی-ارتباطی، تنظیم هیجان و انعطاف پذیری شد. (Bakhshi et al, 2018.)

(Tsirigoti & Georgiadi, 2024) پژوهشی با عنوان اثربخشی برنامه‌های موسیقی درمانی بر رشد ارتباط اجتماعی در کودکان با اختلال طیف اتیسم: یک مرور سیستماتیک انجام داده‌اند که از تجزیه و تحلیل نتایج، دسته‌های زیر برای کمک به افزایش ارتباط اجتماعی تعریف شدند: (الف) موسیقی‌درمانی بداهه؛ (ب) توجه مشترک و تماس چشمی؛ (ج) رابطه‌درمانی، هماهنگ‌سازی و هماهنگی؛ (د) تقلید؛ (ه) درک و تعامل؛ (و) موسیقی‌درمانی خانواده‌محور؛ و (ز) سازگاری زبانی و اجتماعی - عاطفی. نتایج این بررسی متفاوت بود، زیرا به نظر می‌رسید موسیقی‌درمانی تأثیر مثبتی بر بهبود ارتباط اجتماعی کودکان با اختلال طیف اتیسم دارد، اما نمی‌توان در مورد میزان اثربخشی آن در مقایسه با درمان‌های استاندارد که کودکان معمولاً دریافت می‌کنند، نتیجه‌گیری کلی کرد. در مطالعه‌ای دیگر، (Vogel et al., 2025) تأکید کردند که رشد همدلی از طریق فعالیت‌های گروهی خلاقانه، یکی از عوامل کلیدی در بهبود روابط اجتماعی و کاهش انزوای هیجانی در کودکان با اختلال طیف اتیسم است. (Wright, 2023) پژوهشی با عنوان هنر درمانی با فرد با اختلال طیف اتیسم با ناتوانی‌های یادگیری: ارتباط و تنظیم هیجان انجام داده‌اند که یافته‌ها نشان داد که هنردرمانی به توسعه مهارت‌های ارتباطی کمک می‌کند. (Bernier et al., 2022) پژوهشی با عنوان مداخلات هنری برای کودکان با اختلال طیف اتیسم: یک مرور کلی انجام داده‌اند که مداخلات هنرهای خلاقانه در دو حوزه (فرایند و تعامل اجتماعی) مربوط به حوزه مهارت‌های عملکردی و یک حوزه (عملکردهای بدن) مربوط به حوزه عوامل مراجع، برای کودکان با اختلال طیف اتیسم مفید بود.

باوجود شواهد فزاینده‌ای که از مزایای فعالیت‌های هنری برای دانش‌آموزان با اختلال طیف اتیسم حمایت می‌کنند، هنوز شکاف‌های قابل‌توجهی در درک علمی از این حوزه وجود دارد. بیشتر پژوهش‌های انجام شده تا کنون به بررسی تأثیرات کلی فعالیت‌های هنری پرداخته‌اند، اما کمتر به تحلیل سازوکارهای دقیق و مسیرهای میانجی که از طریق آن‌ها این تأثیرات حاصل می‌شوند، توجه شده است (Malhotra, 2019). این کمبود، درک جامع از چگونگی عملکرد فعالیت‌های هنری را محدود می‌کند و امکان طراحی مداخلات هدفمند و مؤثرتر را کاهش

می‌دهد. همچنین، نقش همدلی به عنوان یکی از مهم‌ترین مهارت‌های اجتماعی و عاطفی، در رابطه میان فعالیت‌های هنری و تعاملات اجتماعی دانش‌آموزان با اختلال طیف اتیسم، تا حد زیادی ناشناخته باقی مانده است (Lavric & Soponaru, 2023). شکاف دیگری که در ادبیات موجود مشاهده می‌شود، مربوط به کمبود مطالعات جامع و چندبعدی است که به طور هم‌زمان جنبه‌های مختلف تأثیر فعالیت‌های هنری را مورد بررسی قرار دهند.

بسیاری از پژوهش‌های انجام شده تا کنون بر یک جنبه خاص از تأثیرات فعالیت‌های هنری تمرکز کرده‌اند، اما کمتر به بررسی تعاملات پیچیده میان عوامل مختلف پرداخته‌اند. این محدودیت، درک کاملی از ظرفیت فعالیت‌های هنری به عنوان یک مداخله جامع و چندوجهی فراهم نمی‌کند. علاوه بر این، تعداد محدودی از مطالعات بر روی جمعیت دانش‌آموزان با اختلال طیف اتیسم در زمینه فعالیت‌های هنری انجام شده است که این امر ضرورت انجام پژوهش‌های بیشتر در این حوزه را نشان می‌دهد. از منظر کاربردی، نتایج این پژوهش می‌تواند به توسعه برنامه‌های آموزشی و درمانی مؤثرتر برای دانش‌آموزان با اختلال طیف اتیسم کمک کند. درک بهتر نقش همدلی در رابطه میان فعالیت‌های هنری و تعاملات اجتماعی، امکان طراحی مداخلات هدفمندتری را فراهم می‌کند که بتوانند به طور مستقیم بر توسعه مهارت‌های اجتماعی و عاطفی تأثیر بگذارند.

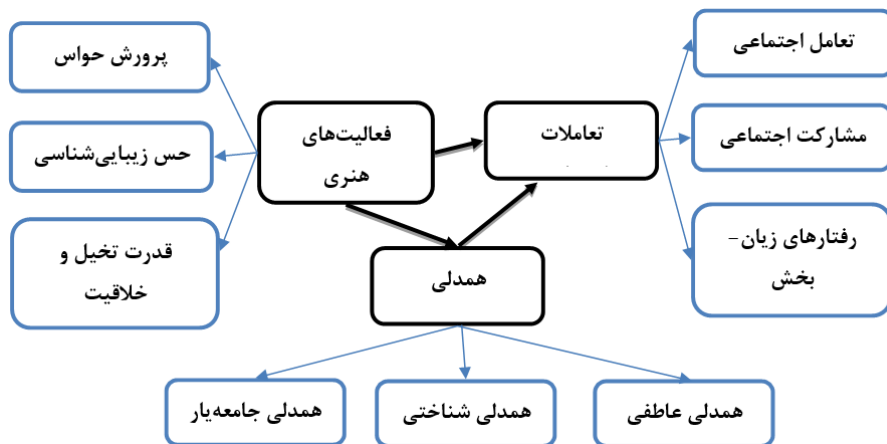
همچنین، این پژوهش می‌تواند به معلمان، متخصصان، و خانواده‌های دانش‌آموزان با اختلال طیف اتیسم کمک کند تا درک بهتری از ظرفیت فعالیت‌های هنری داشته باشند و آن‌ها را به عنوان ابزارهای مؤثر در برنامه‌های آموزشی و درمانی به کار گیرند. در نهایت، این پژوهش با تمرکز بر تحلیل نقش میانجی همدلی در رابطه میان فعالیت‌های هنری و تعاملات اجتماعی دانش‌آموزان با اختلال اتیسم، قصد دارد تا به پر کردن شکاف‌های موجود در ادبیات علمی کمک کند و درک جامع‌تری از سازوکارهای تأثیر فعالیت‌های هنری ارائه دهد. بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر فعالیت‌های هنری بر بهبود تعاملات اجتماعی دانش‌آموزان با اختلال طیف اتیسم در صدد بررسی فرضیه‌های پژوهشی زیر است:

۱. فعالیت‌های هنری بر بهبود تعاملات اجتماعی کودکان با اختلال طیف اتیسم تأثیر معناداری دارد.

۲. فعالیت‌های هنری بر افزایش همدلی در کودکان با اختلال طیف اتیسم تأثیر معناداری دارد.

۳. همدلی با تعاملات اجتماعی کودکان با اختلال طیف اتیسم رابطه مثبت و معناداری دارد.

۴. همدلی نقش میانجی معناداری در رابطه بین فعالیت‌های هنری و تعاملات اجتماعی کودکان با اختلال طیف اتیسم ایفا می‌کند.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی و با رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) انجام شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه دانش‌آموزان با اختلال طیف اتیسم شهر تهران در سال ۱۴۰۴ تشکیل داده‌اند که این دانش‌آموزان در دوره‌های آموزش نقاشی حداقل به مدت یک سال شرکت کرده‌اند. برای تعیین حجم نمونه به ملاک استیونز (۲۰۰۲) استناد شد که بر اساس آن به‌ازای هر متغیر یا خرده‌مقیاس، حداقل ۵-۱۵ شرکت‌کننده ضروری است. با توجه به متغیرهای پژوهش و مؤلفه‌های مربوط به ابزارها، تعداد ۹۰ نفر نمونه برای تحلیل مدل معادلات ساختاری تعیین شده است.

روش نمونه‌گیری در پژوهش حاضر تصادفی هدفمند¹ می‌باشد. بدین صورت که با مراجعه به مدارس و موسسه‌های خصوصی ویژه دانش آموزان با اختلال طیف اتیسم تنها کودکان اتیستیک که دوره نقاشی را به مدت زمان مورد نظر گذرانده بودند و توانایی مشارکت در فعالیت‌های هنری را دارا بوده و در نهایت می‌توانستند تغییرات در تعامل اجتماعی و همدلی را نشان دهند، به عنوان نمونه انتخاب شدند. ملاک ورود به پژوهش شاخص‌هایی مانند تشخیص رسمی اختلال طیف اتیسم بر اساس DSM-5، دامنه سنی ۶ تا ۱۲ سال، توانایی مشارکت در فعالیت‌های هنری، حضور مستمر حداقل ۶ ماه در مرکز آموزشی و رضایت کتبی والدین در نظر گرفته شد. همچنین تغییرات مهم در وضعیت سلامت کودک، تغییر درمان دارویی، عدم تکمیل پرسش‌نامه‌ها، درخواست والدین یا کودک برای خروج و بروز رفتارهای پرخطر یا محدودیت‌های

1 .Purposeful Random Sampling

شدید عملکردی را به عنوان معیارهای خروج از پژوهش لحاظ شد. در ادامه ابزارهای پژوهش ارائه خواهند شد:

۱. پرسشنامه نیمرخ مهارت‌های اجتماعی کودکان با اختلال طیف اتیسم (بلینی و هاپف^۱، ۲۰۰۷): این پرسشنامه توسط بلینی و هاپف (۲۰۰۷) ساخته شده است که برای سنجش رفتاری دامنه وسیعی از رفتارهای اجتماعی کودکان و نوجوانان با اختلال طیف اتیسم در دامنه سنی ۷ تا ۱۶ سال ساخته شده است و نسبت به تغییرات ناشی از درمان حساسیت ویژه‌ای دارد. این مقیاس دارای ۴۸ سوال می‌باشد که سه خرده مقیاس: تعامل اجتماعی، مشارکت اجتماعی و رفتارهای زیان‌بخش اجتماعی را می‌سنجد. سوالات بر اساس طیف لیکرت چهار درجه‌ای (هرگز=۱ تا همیشه=۴) ثبت می‌شود. نمره بالاتر نشان‌دهنده مهارت اجتماعی قوی‌تر است. ویژگی‌های روانسنجی این ابزار توسط بلینی و همکاران بررسی شد و اجرای آزمون-بازآزمون بیانگر ضریب آلفای ۰/۹۳ و محاسبه همسانی درونی حاکی از ضریب ۰/۹۰ بوده است. همچنین مقدار آلفای کرونباخ به ترتیب در عامل‌های اول تا سوم ۰/۹۲، ۰/۸۹ و ۰/۸۵ گزارش شده است.

در ایران نیز در پژوهش مقیم اسلام و همکاران (۱۳۹۲) ضریب پایایی نیمرخ مهارت‌های اجتماعی اختلال طیف اتیسم با استفاده از روش آزمون-بازآزمون و با فاصله ۳ هفته‌ای ۰/۹۷ و پایایی مولفه‌های تعامل اجتماعی ۰/۹۶، مشارکت اجتماعی ۰/۷۴ و رفتارهای زیان‌بخش ۰/۹۶ گزارش شده است. همچنین بخشی و همکاران (۱۳۹۷) ضریب پایایی آلفای کرونباخ این ابزار در خرده مقیاس‌های رفتار اجتماعی، مشارکت اجتماعی و تعامل اجتماعی و مقیاس کل مهارت‌های اجتماعی به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۸۰، ۰/۸۶ و ۰/۸۰ برآورد نمودند.

۲. پرسشنامه استاندارد همدلی کودک و نوجوان^۲ (خسروی لاریجانی و همکاران، ۱۳۹۹): این پرسشنامه توسط ریف، کتالر و ویفرنیک^۳ (۲۰۱۰) ساخته شده و بعدها توسط اورگاو^۴ و همکاران (۲۰۱۷) مورد بازبینی قرار گرفت و در ایران توسط خسروی لاریجانی و همکاران (۱۳۹۹) ترجمه شده است. این پرسشنامه دارای ۲۱ سوال است که چهار مولفه جامعه‌یار (انگیزه اجتماعی) (سوالات ۳، ۶، ۹، ۱۲، ۱۵، ۱۷)، شناختی (سوالات ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۴)، عاطفی (سوالات ۱، ۴، ۷، ۱۰، ۱۳، ۱۶، ۱۸)، همدلی موثر (۱۹، ۲۰، ۲۱) را مورد سنجش قرار داده است. سوالات این پرسشنامه بر روی مقیاس سه درجه‌ای است و نمره‌گذاری آن به صورت صحیح نیست (۰)، گاهی اوقات صحیح است (۱)، و بیشتر اوقات صحیح است (۲) می‌باشد. پایایی این ابزار در پژوهش ریف و همکاران (۲۰۱۰) با ضریب آلفای کرونباخ در نمره کل ۰/۷۴،

1. Bellini & Hopf

2. EmQue-CA

3. Rieffe, Ketelaar & Wiefierink

4. Overgaauw

و در خرده مقیاس‌های همدلی شناختی ۰/۷۳، عاطفی ۰/۷۱، انگیزه اجتماعی ۰/۷۰ و همدلی موثر ۰/۷۲ برآورد شده است. همچنین در بررسی پایایی این پرسشنامه بر روی کودکان هلند و بلژیک آلفای کرونباخ کل مقیاس بترتیب ۰/۸۳، ۰/۶۶، ۰/۶۸، ۰/۷۸ محاسبه شده است. در ایران نیز در پژوهش خسروی لاریجانی و همکاران (۱۳۹۹) روایی محتوایی این پرسشنامه توسط اساتید و متخصصان کودک و نوجوان مورد تایید قرار گرفته است. همچنین در این پژوهش روایی تحلیل عاملی، اکتشافی این مقیاس تایید شده است. در بررسی پایایی آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۷۷، با روش دو نیمه کردن ۰/۶۶ و با روش بازآزمایی بر روی ۲۱۰ نفر از دانش‌آموزان با فاصله چهار هفته ۰/۴۵ برآورد شده است که نشان می‌دهد این پرسشنامه دارای پایایی مناسبی است.

۳. پرسشنامه تربیت هنری (۱۳۹۶): برای سنجش فعالیت‌های هنری از پرسشنامه انتظامی، نراقی و نادری (۱۳۹۶) استفاده شده است. این پرسشنامه دارای ۱۸ سوال است که سه مولفه پرورش حواس (سوالات ۴ تا ۱)، حس زیبایی‌شناسی (سوالات ۱۱ تا ۵)، قدرت تخیل و خلاقیت (سوالات ۱۸ تا ۱۲) را مورد سنجش قرار داده است. سوالات بر اساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت از خیلی ضعیف=۱ تا خیلی خوب=۵ قرار دارند. دامنه نمرات بین ۱۸ تا ۹۰ قرار دارند که نمره بالاتر نشان‌دهنده تربیت هنری رشدیافته است. در پژوهش انتظامی و همکاران (۱۳۹۶) روایی محتوایی و صوری و ملاکی این پرسشنامه مناسب ارزیابی شده است. ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده در پژوهش انتظامی و همکاران (۱۳۹۶) پایایی ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۷۹ برآورد شده است. شکری (۱۴۰۴) نیز، در پژوهش خود روایی محتوایی و صوری پرسشنامه را توسط اساتید روانشناسی و علوم تربیتی مورد تایید قرار داده است و پایایی ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس ۰/۸۹ و برای خرده مقیاس‌ها ۰/۸۵، ۰/۸۲ و ۰/۸۷ برآورده شده است.

یافته‌ها

در این بخش، به‌منظور ارائه تصویری کلی از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه پژوهش، توزیع فراوانی و درصدی متغیرهای زمینه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد. توزیع فراوانی جنسیت کودکان نشان می‌دهد که از مجموع ۹۰ کودک مورد بررسی، ۳۸ نفر دختر و ۵۲ نفر پسر بودند. به‌عبارت دیگر، ۴۲/۲ درصد از نمونه را دختران و ۵۷/۸ درصد را پسران تشکیل می‌دهند که بیانگر سهم بیشتر پسران در ترکیب نمونه پژوهش است. همچنین توزیع فراوانی سنی کودکان نشان می‌دهد که ۱۹ نفر در بازه سنی ۸ تا ۱۲ سال قرار دارند که معادل ۲۱/۱ درصد از کل نمونه است، در حالی که ۷۱ نفر در بازه سنی ۱۳ تا ۱۸ سال قرار گرفته‌اند و ۷۸/۹ درصد نمونه را به خود اختصاص داده‌اند.

در بخش دوم یافته‌ها، به‌منظور ارائه تصویری دقیق از وضعیت متغیرهای اصلی پژوهش، شاخص‌های آمار توصیفی شامل کمینه، بیشینه، میانگین، انحراف معیار، چولگی و کشیدگی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

جدول ۱: توصیف و بررسی متغیرهای اصلی پژوهش

متغیر	زیرمقیاس	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
تعاملات	تعامل اجتماعی	۱۵	۵۰	۳۱/۸۸	۶/۷۰	۰/۰۸۷	۰/۵۲۱
اجتماعی	مشارکت اجتماعی	۱۵	۴۱	۲۷/۴۶	۶/۱۸	-۰/۱۰۶	-۰/۵۸۵
	رفتارهای زیان‌بخش اجتماعی	۱۸	۵۰	۳۲/۴۴	۸/۰۶	۰/۰۷۹	-۰/۸۷۹
	تعاملات اجتماعی کل	۴۸	۱۳۲	۹۱/۷۸	۱۸/۳۴	-۰/۰۳۸	-۰/۴۴۶
همدلی	انگیزه اجتماعی	۱	۹	۵/۸۸	۱/۵۴	-۰/۲۶۱	۰/۱۰۴
	شناختی	۱	۵	۳/۴۰	۰/۷۷	-۰/۱۰۰	۰/۳۶۸
	عاطفی	۱	۶	۳/۶۰	۱/۱۰	-۰/۴۴۲	۰/۲۰۷
	همدلی موثر	۱	۷	۳/۸۲	۱/۲۷	-۰/۰۲۲	-۰/۳۵۰
	همدلی کل	۵	۲۶	۱۶/۷۰	۳/۹۴	-۰/۲۹۶	۰/۳۲۱
فعالیت	پرورش حواس	۷	۱۷	۱۱/۱۰	۲/۰۶	۰/۱۴۴	۰/۰۴۵
هنری	حس زیبایی شناسی	۷	۲۶	۱۸/۵۲	۳/۹۳	-۰/۱۶۵	-۰/۳۵۵
	قدرت تخیل و خلاقیت	۷	۲۴	۱۶/۲۹	۳/۵۷	-۰/۰۸۳	-۰/۲۶۰
	فعالیت هنری کل	۲۴	۶۳	۴۵/۹۱	۸/۳۳	-۰/۰۷۹	-۰/۱۹۴

بر اساس نتایج جدول فوق و با تمرکز بر نمرات کل متغیرهای اصلی پژوهش، میانگین نمره تعاملات اجتماعی کل برابر با ۹۱/۷۸ و انحراف معیار آن ۱۸/۳۴ است که نشان می‌دهد سطح تعاملات اجتماعی کودکان در نمونه پژوهش در حد متوسط رو به پایین قرار دارد و پراکندگی نمرات نیز در دامنه قابل قبول است. مقدار چولگی ۰/۰۳۸- و کشیدگی ۰/۴۴۶- بیانگر آن است که توزیع نمرات تعاملات اجتماعی کل تقریباً متقارن و نزدیک به توزیع نرمال است. همچنین، میانگین نمره همدلی کل برابر با ۱۶/۷۰ و انحراف معیار آن ۳/۹۴ گزارش شده است که نشان‌دهنده وضعیت نسبتاً مطلوب همدلی در میان کودکان مورد بررسی و پراکندگی کم نمرات پیرامون میانگین است. مقادیر چولگی ۰/۲۹۶- و کشیدگی ۰/۳۲۱- برای همدلی کل نیز حاکی از نرمال بودن توزیع داده‌ها در این متغیر است. در نهایت، میانگین نمره فعالیت هنری کل برابر با ۴۵/۹۱ و انحراف معیار ۸/۳۳ به دست آمده که نشان می‌دهد کودکان از سطح نسبتاً متوسط رو به پایین از فعالیت‌های هنری برخوردارند و پراکندگی نمرات در حد قابل قبول است. مقادیر چولگی ۰/۰۷۹- و کشیدگی ۰/۱۹۴- نیز تأیید می‌کند که توزیع نمرات فعالیت هنری کل از وضعیت نرمال برخوردار بوده و داده‌ها برای انجام تحلیل‌های آماری استنباطی مناسب هستند.

بررسی پیش فرض‌های مدل سازی معادلات ساختاری

پیش از بررسی مدلسازی معادلات ساختاری ((SEM ابتدا باید پیشفرض‌های انجام این تحلیل را که شامل بررسی وضعیت نرمال بودن متغیرهای پژوهش، همبستگی میان متغیرهای تحقیق می‌باشد مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد و در صورت بررسی این دو پیش فرض می‌توان از مدل سازی معادلات ساختاری جهت بررسی فرضیه‌های تحقیق استفاده نمود.

بررسی وضعیت نرمال بودن متغیرهای تحقیق با آزمون شاپیرو-ویلک

جدول ۲: بررسی وضعیت نرمال بودن متغیرهای تحقیق با آزمون شاپیرو-ویلک

متغیر	آماره S-W	معناداری
تعاملات اجتماعی	۰/۰۵۵	۰/۲۰۰
همدلی	۰/۰۷۴	۰/۲۰۰
فعالیت هنری	۰/۰۵۳	۰/۲۰۰

جدول فوق نتایج بررسی وضعیت نرمال بودن هریک از متغیرهای تحقیق را با آزمون شاپیرو-ویلک نشان می‌دهد. نتایج حاکی از آن است که میزان معناداری تمامی متغیرها بیشتر از سطح معناداری ۰/۰۵ می‌باشد. در نتیجه می‌توان بیان کرد که تمامی متغیرها دارای توزیع نرمالی به لحاظ استنباطی می‌باشند. اما بدین دلیل که حجم نمونه پژوهش پایین است ($n=90$)، بنابراین جهت بررسی مدلسازی معادلات ساختاری از نرم افزار smart pls استفاده شده است.

بررسی همبستگی میان متغیرهای تحقیق با آزمون همبستگی پیرسون

جدول ۳: بررسی همبستگی میان متغیرهای تحقیق با آزمون همبستگی پیرسون

متغیر	تعاملات اجتماعی	همدلی	فعالیت هنری
	۱		
همدلی	***۰/۳۵۵	۱	
فعالیت هنری	***۰/۵۰۷	***۰/۴۳۸	۱

*** در سطح خطای ۰/۰۱ معنادار است.

بر اساس نتایج جدول ۳، بین متغیرهای اصلی پژوهش روابط مثبت و معناداری مشاهده می‌شود. ضریب همبستگی بین همدلی و تعاملات اجتماعی برابر با ۰/۳۵۵ است که نشان‌دهنده وجود رابطه مثبت با شدت متوسط میان این دو متغیر بوده و بیانگر آن است که با افزایش سطح همدلی کودکان، میزان تعاملات اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد و این رابطه در سطح خطای ۰/۰۱ معنادار است.

همچنین، ضریب همبستگی بین فعالیت هنری و تعاملات اجتماعی برابر با ۰/۵۰۷ گزارش شده است که حاکی از وجود رابطه مثبت و نسبتاً قوی میان این دو متغیر بوده و نشان می‌دهد افزایش فعالیت‌های هنری با بهبود تعاملات اجتماعی کودکان همراه است و این رابطه نیز در سطح خطای ۰/۰۱ معنادار می‌باشد. افزون بر این، رابطه بین فعالیت هنری و همدلی با ضریب همبستگی ۰/۴۳۸ مثبت و معنادار است که بیانگر آن است که مشارکت بیشتر کودکان در فعالیت‌های هنری می‌تواند با افزایش سطح همدلی آنان همراه باشد. در مجموع، نتایج این جدول نشان می‌دهد که تعاملات اجتماعی، همدلی و فعالیت هنری به صورت معنادار و همسو با یکدیگر در ارتباط بوده و تقویت هر یک از این متغیرها می‌تواند به بهبود سایر متغیرهای پژوهش منجر شود.

برازش مدل‌های اندازه‌گیری:

پیش از این که به نتایج مدل سازی بتوان اطمینان حاصل نمود ابتدا باید نتایج پایایی و روایی مدل اندازه‌گیری و همچنین شاخص‌های برازش مدل را مورد تحلیل قرار داد. در بحث تحلیل پایایی سنجش پایایی آلفا کرون باخ و بررسی پایایی ترکیبی و در بحث روایی نیز روایی واگرا و همگرا مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

جدول ۴: بررسی وضعیت پایایی آلفا کرون باخ و پایایی ترکیبی متغیرهای تحقیق

متغیرها	پایایی آلفا کرون باخ	پایایی ترکیبی
تعاملات اجتماعی	۰/۸۴۵	۰/۹۰۶
فعالیت هنری	۰/۸۳۸	۰/۹۰۱
همدلی	۰/۸۵۲	۰/۹۰۰

همانطور که نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد میزان ضرایب پایایی آلفا کرون باخ و پایایی ترکیبی سازه‌های تحقیق همگی بالای ۰/۷ می‌باشند در نتیجه می‌توان بیان کرد که پایایی هر سازه در این تحقیق مورد تایید قرار می‌گیرد و میان گویه‌های هر سازه همبستگی درونی مناسبی وجود دارد. بعد از بررسی معیار پایایی، دومین معیار برازش مدل‌های اندازه‌گیری روایی همگرا است. میانگین واریانس استخراج شده برای سنجش روایی همگرا معرفی شده است که توسط آن، میزان همبستگی هر سازه با سوال‌های (شاخص‌ها) خود بررسی می‌شود. معیار AVE نشانگر میانگین واریانس به اشتراک گذاشته شده بین هر سازه با شاخص‌های خود است و مقدار ۰/۵ به بالای آن کافی محسوب می‌شود. در این مدل اندازه‌گیری نیز میزان AVE برای هر متغیر بیشتر از میزان ۰/۵ محاسبه شده است که دلیلی بر تایید روایی همگرای مدل حاضر می‌باشد.

جدول ۵: بررسی مقدار میانگین واریانس استخراج شده (AVE)

متغیرها	میانگین واریانس استخراج شده (AVE)
تعاملات اجتماعی	۰/۷۶۳

فعالیت هنری	۰/۷۵۲
همدلی	۰/۶۹۴

روایی واگرا یا تشخیصی در عمل اثبات یگانگی یک ابزار اندازه گیری است. چنانچه بین ابزار مورد نظر با ابزارهایی که سازه‌های متفاوتی را اندازه گیری می‌کنند، همبستگی وجود نداشته باشد یا پایین باشد، آزمون دارای روایی واگرا یا تشخیصی است. در صورت وجود روایی واگرا، باید رابطه بین شاخص‌های مربوط به سازه‌های مختلف بسیار پایین باشد. معیار فورنل و لاکر اشاره به این مساله دارد که ریشه دوم مقادیر واریانس شرح داده شده ((AVE هر سازه، بزرگ‌تر از مقدار همبستگی آن سازه با سازه‌های دیگر باشد، مقادیر موجود در روی قطر اصلی ماتریس، باید از کلیه مقادیر موجود در ستون مربوطه بزرگ‌تر باشد.

جدول ۶: ماتریس سنجش روایی واگرا با روش فورنل و لاکر

متغیرها	تعاملات اجتماعی	فعالیت هنری	همدلی
تعاملات اجتماعی	۰/۸۷۳		
فعالیت هنری	۰/۵۱۵	۰/۸۶۷	
همدلی	۰/۴۵۴	۰/۳۴۷	۰/۸۳۳

مطابق جدول ۶، از آنجا که مقدار جذر AVE مربوط به هر سازه (متغیرهای مکنون) در تحقیق حاضر که در خانه‌های موجود در قطر اصلی ماتریس قرار گرفته‌اند، تقریباً از مقدار همبستگی میان آنها که در خانه‌های زیرین و راست قطر اصلی قرار دارند بیشتر است، از این رو، می‌توان گفت که در تحقیق حاضر، سازه‌های مدل تعامل بیشتری با شاخص‌های خود دارند تا با سازه‌های دیگر. به عبارت دیگر، روایی واگرایی مدل مناسب است.

ماتریس سنجش روایی واگرا با روش HTMT

جدول ۷: ماتریس سنجش روایی واگرا با روش HTMT

متغیرها	تعاملات اجتماعی	فعالیت هنری	همدلی
تعاملات اجتماعی			

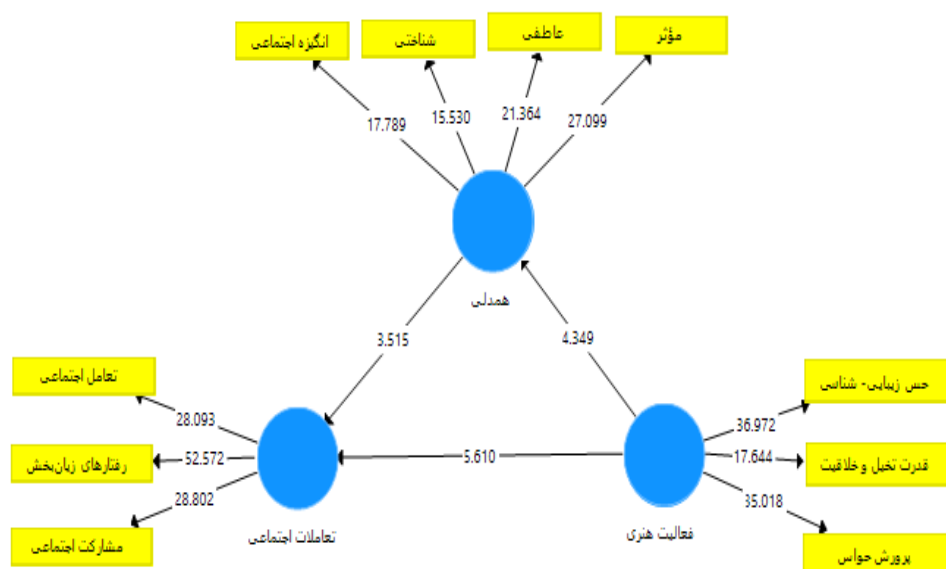
فعالیت هنری	۰/۵۹۶	
همدلی	۰/۵۲۸	۰/۴۰۲

بر اساس نتایج جدول فوق و شاخص اچ‌تی‌ام‌تی، مقادیر به‌دست‌آمده بیانگر تمایز مناسب بین متغیرهای پژوهش است. مقدار شاخص اچ‌تی‌ام‌تی بین تعاملات اجتماعی و فعالیت هنری برابر با ۰/۵۹۶ گزارش شده که کمتر از حد آستانه متعارف بوده و نشان‌دهنده برخورداری این دو سازه از روایی تمایزی قابل قبول است. همچنین، مقدار شاخص اچ‌تی‌ام‌تی بین تعاملات اجتماعی و همدلی برابر با ۰/۵۲۸ است که این مقدار نیز حاکی از تفکیک مناسب مفهومی میان این دو متغیر می‌باشد. از سوی دیگر، مقدار شاخص اچ‌تی‌ام‌تی بین فعالیت هنری و همدلی برابر با ۰/۴۰۲ به‌دست آمده که نشان‌دهنده تمایز مطلوب و همپوشانی اندک بین این دو سازه است. در مجموع، نتایج حاصل از شاخص اچ‌تی‌ام‌تی تأیید می‌کند که متغیرهای تعاملات اجتماعی، فعالیت هنری و همدلی از روایی تمایزی مناسب برخوردار بوده و سازه‌های پژوهش به‌صورت مفهومی از یکدیگر متمایز هستند.

برازش مدل ساختاری:

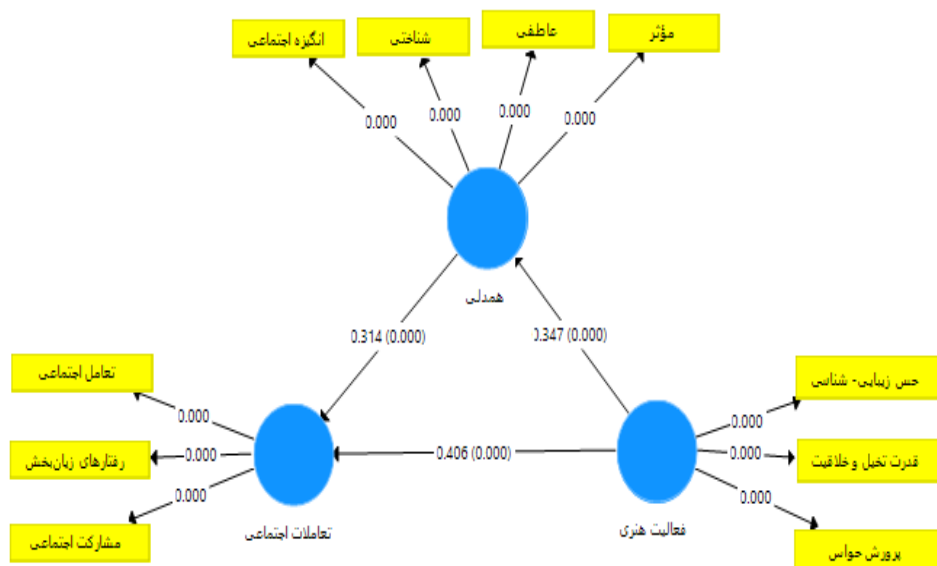
مقدار معناداری t-value :

در این بخش به بررسی مدل معادلات ساختاری ((SEM رابطه فعالیت هنری با تعاملات اجتماعی همراه با میانجی‌گری همدلی در بین دانش‌آموزان با اختلال طیف اتیسم پرداخته شده است.



شکل ۲: بررسی ضرایب استاندارد t -value رابطه فعالیت هنری با تعاملات اجتماعی همراه با میانجی‌گری همدلی در بین دانش‌آموزان با اختلال طیف اتیسم

معناداری P-value



شکل ۳: بررسی ضرایب استاندارد p -value رابطه فعالیت هنری با تعاملات اجتماعی همراه با میانجی‌گری همدلی در بین دانش‌آموزان با اختلال طیف اتیسم

جدول ۸: بررسی ضریب استاندارد مستقیم رابطه فعالیت هنری با تعاملات اجتماعی همراه با میانجی‌گری همدلی در بین دانش‌آموزان با اختلال طیف اتیسم

مسیر رابطه	ضریب مسیر استاندارد (β)	مقدار معناداری (t -value))	مقدار معناداری (P -value))		
				از متغیر	به متغیر
فعالیت هنری - < تعاملات اجتماعی	۰/۴۰۶	۵/۶۱۰	۰/۰۰۱		
فعالیت هنری - < همدلی	۰/۳۴۷	۴/۳۴۹	۰/۰۰۱		
همدلی - < تعاملات اجتماعی	۰/۳۱۴	۳/۵۱۵	۰/۰۰۱		

بر اساس نتایج جدول فوق، روابط مستقیم بین فعالیت هنری، همدلی و تعاملات اجتماعی در میان دانش‌آموزان طیف اتیسم مثبت و معنادار گزارش شده است. ضریب مسیر استاندارد رابطه مستقیم فعالیت هنری با تعاملات اجتماعی برابر با ۰/۴۰۶ است که نشان می‌دهد فعالیت هنری تأثیر مثبت و معناداری بر تعاملات اجتماعی دارد و مقدار آماره تی ۵/۶۱۰ همراه با سطح معناداری ۰/۰۰۱، معناداری این اثر را تأیید می‌کند. همچنین، ضریب مسیر استاندارد رابطه فعالیت هنری با همدلی برابر با ۰/۳۴۷ به دست آمده که بیانگر اثر مثبت فعالیت هنری بر افزایش همدلی بوده و مقدار آماره تی ۴/۳۴۹ و سطح معناداری ۰/۰۰۱ نشان‌دهنده معنادار بودن این رابطه است. از سوی دیگر، ضریب مسیر استاندارد رابطه همدلی با تعاملات اجتماعی برابر با ۰/۳۱۴ گزارش شده که حاکی از نقش مثبت و معنادار همدلی در ارتقای تعاملات اجتماعی است و مقدار آماره تی ۳/۵۱۵ با سطح معناداری ۰/۰۰۱ این نتیجه را تأیید می‌کند.

جدول ۹: بررسی ضریب استاندارد غیر مستقیم رابطه فعالیت هنری با تعاملات اجتماعی همراه با میانجی‌گری همدلی در بین دانش‌آموزان با اختلال طیف اتیسم

مسیر رابطه	ضریب مسیر استاندارد (β)	مقدار معناداری (t -value))	مقدار معناداری (P -value))		
				از متغیر	به متغیر

فعالیت هنری - همدلی - تعاملات اجتماعی	۰/۱۰۹	۲/۴۸۸	۰/۱۳
---------------------------------------	-------	-------	------

بر اساس نتایج جدول ۹، اثر غیرمستقیم فعالیت هنری بر تعاملات اجتماعی با نقش میانجی همدلی در میان دانش‌آموزان با اختلال طیف اتیسم مثبت و معنادار گزارش شده است. ضریب مسیر استاندارد غیرمستقیم این رابطه برابر با ۰/۱۰۹ است که نشان می‌دهد فعالیت هنری از طریق افزایش همدلی می‌تواند به بهبود تعاملات اجتماعی منجر شود. مقدار آماره تی ۲/۴۸۸ به‌دست‌آمده حاکی از معناداری این مسیر غیرمستقیم بوده و سطح معناداری ۰/۱۳ نیز این نتیجه را از نظر آماری تأیید می‌کند. در مجموع، این یافته بیانگر آن است که همدلی نقش میانجی معناداری در رابطه بین فعالیت هنری و تعاملات اجتماعی ایفا می‌کند و بخشی از تأثیر فعالیت هنری بر تعاملات اجتماعی از طریق ارتقای سطح همدلی دانش‌آموزان طیف اتیسم تبیین می‌شود.

همچنین بر اساس یافته‌های حاصل از جدول ۸، فرضیه اول پژوهش مبنی بر تأثیر معنادار فعالیت‌های هنری بر بهبود تعاملات اجتماعی کودکان با اختلال طیف اتیسم مورد تأیید قرار می‌گیرد. ضریب مسیر استاندارد رابطه مستقیم فعالیت هنری با تعاملات اجتماعی برابر با ۰/۴۰۶ به‌دست آمده است که نشان‌دهنده اثر مثبت فعالیت‌های هنری بر تعاملات اجتماعی این کودکان می‌باشد. همچنین مقدار آماره تی ۵/۶۱۰ که بزرگ‌تر از مقدار بحرانی است، همراه با سطح معناداری ۰/۰۰۱، بیانگر معنادار بودن این اثر از نظر آماری است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که افزایش مشارکت کودکان در فعالیت‌های هنری می‌تواند به‌طور مستقیم موجب ارتقای سطح تعاملات اجتماعی آنان شود و فعالیت‌های هنری به‌عنوان یک عامل مؤثر در بهبود روابط و تعاملات اجتماعی کودکان دارای اختلال طیف اتیسم قابل توجه و قابل اتکا است.

در راستای یافته‌های جدول ۸، فرضیه دوم پژوهش مبنی بر تأثیر معنادار فعالیت‌های هنری بر افزایش همدلی در کودکان با اختلال طیف اتیسم نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد. ضریب مسیر استاندارد رابطه فعالیت هنری با همدلی برابر با ۰/۳۴۷ گزارش شده است که نشان‌دهنده اثر مثبت فعالیت‌های هنری بر ارتقای سطح همدلی در این کودکان می‌باشد. همچنین مقدار آماره تی ۴/۳۴۹ که از مقدار بحرانی (۱/۹۶) فراتر است، به‌همراه سطح معناداری ۰/۰۰۱، بیانگر معنادار بودن این رابطه از نظر آماری است. این نتیجه نشان می‌دهد که مشارکت در فعالیت‌های هنری می‌تواند به‌طور مؤثر موجب تقویت همدلی در کودکان دارای اختلال طیف

اتیسم شود و فعالیت‌های هنری نقش مهمی در بهبود توانایی‌های هیجانی و اجتماعی این گروه ایفا می‌کنند.

فرضیه سوم پژوهش مبنی بر وجود رابطه مثبت و معنادار بین همدلی و تعاملات اجتماعی کودکان با اختلال طیف اتیسم نیز بر اساس یافته‌های جدول ۸، مورد تأیید قرار می‌گیرد. ضریب مسیر استاندارد رابطه همدلی با تعاملات اجتماعی برابر با ۰/۳۱۴ گزارش شده است که نشان‌دهنده اثر مثبت همدلی بر تعاملات اجتماعی این کودکان می‌باشد. همچنین مقدار آماره تی ۳/۵۱۵ که بزرگ‌تر از مقدار بحرانی است، به همراه سطح معناداری ۰/۰۰۱، بیانگر معنادار بودن این رابطه از نظر آماری است. این یافته نشان می‌دهد که افزایش سطح همدلی در کودکان با اختلال طیف اتیسم می‌تواند به‌طور مستقیم با بهبود تعاملات اجتماعی آنان همراه باشد و همدلی به‌عنوان یکی از عوامل مهم در ارتقای کیفیت روابط اجتماعی این کودکان نقش مؤثری ایفا می‌کند.

بر اساس نتایج جدول ۹، فرضیه چهارم پژوهش مبنی بر نقش میانجی معنادار همدلی در رابطه بین فعالیت‌های هنری و تعاملات اجتماعی کودکان با اختلال طیف اتیسم مورد تأیید قرار می‌گیرد. ضریب مسیر استاندارد غیرمستقیم فعالیت هنری بر تعاملات اجتماعی از طریق همدلی برابر با ۰/۱۰۹ گزارش شده است که نشان‌دهنده وجود اثر غیرمستقیم مثبت فعالیت‌های هنری بر تعاملات اجتماعی از مسیر همدلی می‌باشد. همچنین مقدار آماره تی ۲/۴۸۸ که از مقدار بحرانی فراتر است، به همراه سطح معناداری ۰/۰۱۳، بیانگر معنادار بودن این مسیر غیرمستقیم از نظر آماری است. این یافته نشان می‌دهد که همدلی به‌عنوان یک سازوکار واسطه‌ای، بخشی از تأثیر فعالیت‌های هنری بر بهبود تعاملات اجتماعی کودکان با اختلال طیف اتیسم را تبیین می‌کند و نقش مهمی در انتقال اثر فعالیت‌های هنری به تعاملات اجتماعی ایفا می‌نماید.

بحث

هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی تأثیر فعالیت‌های هنری بر بهبود تعاملات اجتماعی دانش‌آموزان با اختلال طیف اتیسم با تحلیل نقش میانجی همدلی بود. پژوهش حاضر بر این ایده استوار است که فعالیت‌های هنری می‌توانند به‌صورت مستقیم تعاملات اجتماعی کودکان با اختلال طیف اتیسم را بهبود دهند و همچنین از طریق تقویت همدلی به‌عنوان سازوکار هیجانی-اجتماعی، بخشی از این اثر را به‌صورت غیرمستقیم منتقل کنند. از این منظر، هنر نه فقط یک فعالیت آموزشی یا سرگرمی، بلکه یک بستر ارتباطی غیرکلامی و کم‌فشار برای تجربه، ابراز، و تمرین مهارت‌های اجتماعی تلقی می‌شود؛ بستری که می‌تواند محدودیت‌های زبانی و

دشواری‌های رمزگشایی پیام‌های اجتماعی را تا حدی جبران کرده و زمینه تعامل مؤثرتر با همسالان و محیط را فراهم کند.

یافته‌های پژوهش حاضر در راستای فرضیه اول نشان داد که فعالیت‌های هنری اثر مستقیم، مثبت و معناداری بر تعاملات اجتماعی کودکان با اختلال طیف اتیسم دارد. ($\beta=406/0$) این نتیجه از منظر نظری قابل تبیین است؛ زیرا فعالیت هنری، به‌ویژه در قالب‌های خلاقانه و کم‌فشار مانند نقاشی، رنگ‌آمیزی و کاردستی، به عنوان یک زبان جایگزین، بستری را برای کودک فراهم می‌کند تا بدون الزام به مهارت‌های پیچیده کلامی، تجربه‌های درونی خود را بیرونی‌سازی کند و در موقعیت‌های تعاملی قابل پیش‌بینی مشارکت داشته باشد. در کودکان با اختلال اتیسم که معمولاً در رمزگشایی نشانه‌های اجتماعی، شروع و تداوم گفتگو، درک پیام‌های غیرکلامی و تنظیم هیجانی مشکل دارند، هنر می‌تواند نقش یک میانجی ارتباطی را ایفا کند؛ یعنی تعامل به‌جای آنکه از مسیر کلام و قواعد پیچیده اجتماعی آغاز شود، از مسیر «عمل مشترک» و «تمرکز مشترک روی محصول هنری» شکل می‌گیرد و به تدریج به تعاملات بین‌فردی تعمیم می‌یابد. این منطق با گزارش قدملی‌زاده (۱۴۰۴) همسو است که هنردرمانی را فرصتی برای بیان نیازها و احساسات، کاهش اضطراب و تقویت تجربه‌های مثبت اجتماعی دانسته و بر نقش محیط امن و حمایتی فعالیت‌های گروهی مبتنی بر هنر در تمرین همکاری، همدلی و رعایت قواعد گروهی تأکید می‌کند. در پژوهش‌های خارجی نیز، مرورهای نظام‌مند عموماً از سودمندی درمان‌های هنری خلاقانه برای ایجاد فرصت خودابرازی و همکاری با همسالان حمایت می‌کنند؛ لوپز-اسکریبانو و اوریو-آپاریسیو (۲۰۲۴) گزارش کردند اغلب مطالعات، مزایای درمان‌های هنری خلاق را نشان داده‌اند و این مداخلات فرصت‌های متنوعی برای ابراز خود و همکاری در محیط طبیعی فراهم می‌کنند، و برنیه و همکاران (۲۰۲۲) نیز بر اثربخشی مداخلات هنری برای پیامدهای عملکردی و تعاملی تأکید کرده‌اند. با این حال، وجود برخی نتایج ناهمسو نیز مهم است؛ برای نمونه عبدالله و همکاران (۲۰۲۳) در یک مداخله کوتاه و فشرده هنری تغییر معناداری در نشانه‌ها و تعاملات اجتماعی گزارش نکردند؛ این ناهمسوئی می‌تواند به تفاوت در شدت اختلال (سطوح ۲ و ۳)، مدت مداخله، نوع فعالیت هنری، اندازه نمونه و ابزار سنجش مربوط باشد، زیرا در اختلال طیف اتیسم شدیدتر ممکن است تغییرات تعاملی به زمان طولانی‌تر و طراحی دقیق‌تر (مثلاً مداخله گروهی، تمرکز بر تعامل همسالان، و برنامه‌ریزی تدریجی) نیاز داشته باشد. بنابراین، جمع‌بندی فرضیه اول نشان می‌دهد نتیجه پژوهش حاضر با بخش عمده ادبیات داخلی و خارجی همسو است و تأیید می‌کند که فعالیت‌های هنری، به‌ویژه در قالب‌های هدفمند و منظم، می‌توانند به‌عنوان یک راهبرد عملی برای ارتقای تعامل اجتماعی کودکان با اختلال طیف اتیسم مورد استفاده قرار گیرند، مشروط بر آنکه متناسب با سطح کارکرد کودک، ساختار جلسات، و فرصت‌های تعاملی طراحی شوند.

نتیجه بررسی فرضیه دوم نشان داد فعالیت هنری اثر مثبت و معناداری بر افزایش همدلی در کودکان با اختلال طیف اتیسم دارد ($\beta=347/0$) و این یافته از دو مسیر نظری قابل توضیح است: نخست آنکه فعالیت هنری امکان تجربه هیجانی قابل مشاهده را فراهم می‌کند؛ یعنی کودک نه فقط احساس را درونی تجربه می‌کند بلکه آن را به صورت رنگ، شکل، داستان تصویری یا نماد بیرونی می‌سازد و همین بیرونی‌سازی، ظرفیت نام‌گذاری، تشخیص و تنظیم هیجان را افزایش می‌دهد. دوم آنکه در فعالیت‌های گروهی هنری، کودک به‌طور طبیعی در معرض دیدگاه‌ها، ترجیحات و واکنش‌های عاطفی دیگران قرار می‌گیرد؛ وقتی کودکان درباره نقاشی خود توضیح می‌دهند یا نقاشی همسالان را می‌بینند، به صورت تدریجی با زاویه دید دیگری مواجه می‌شوند و این مواجهه می‌تواند به رشد همدلی شناختی و عاطفی کمک کند. این تبیین با گزارش قدملی‌زاده (۱۴۰۴) همسو است که هنردرمانی را روشی خلاقانه برای بیان احساسات و تجربه تعامل امن می‌داند و بر نقش جلسات منظم در افزایش مشارکت، کاهش انزوا و تثبیت مهارت‌های اجتماعی تأکید می‌کند.

در پژوهش‌های خارجی، تأکید بر نقش هنر در تقویت همدلی به‌صورت مستقیم یا ضمنی دیده می‌شود؛ برای مثال ووگل و همکاران (۲۰۲۵) رشد همدلی را یکی از عوامل کلیدی در کاهش انزوای هیجانی و بهبود روابط اجتماعی معرفی کرده‌اند. از سوی دیگر، مرورهای نظام‌مند نیز اگرچه درباره اندازه اثر و یکسانی نتایج محتاط‌اند، اما معمولاً بر ظرفیت درمان‌های هنری خلاقانه در فراهم کردن «فضای ایمن برای ابراز هیجان و تجربه رابطه» تأکید می‌کنند (لوپز-اسکریبانو و اوریو-آپاریسیو، ۲۰۲۴؛ برنیه و همکاران، ۲۰۲۲). بنابراین، تأیید فرضیه دوم در پژوهش حاضر نشان می‌دهد فعالیت هنری (در شکل هدفمند و احتمالاً تعاملی) می‌تواند ظرفیت همدلی را در کودکان با اختلال طیف اتیسم افزایش دهد و این امر هم با چارچوب‌های نظری (تنظیم هیجان و شناخت اجتماعی) و هم با بخش قابل توجهی از پیشینه داخلی و خارجی همسو است.

نتایج پژوهش حاضر در راستای فرضیه سوم نشان داد همدلی رابطه مثبت و معناداری با تعاملات اجتماعی دارد ($\beta=314/0$) و این یافته از نظر مفهومی بدیهی اما از نظر کاربردی بسیار تعیین‌کننده است؛ زیرا تعامل اجتماعی موفق، صرفاً محصول حضور در جمع یا یادگیری قواعد رفتاری نیست، بلکه به توانایی درک حالت‌های ذهنی و هیجانی دیگران، پیش‌بینی واکنش‌ها، و تنظیم رفتار متناسب با زمینه اجتماعی وابسته است. در کودکان با اختلال طیف اتیسم، یکی از چالش‌های مرکزی، دشواری در حوزه شناخت اجتماعی، خواندن نشانه‌های هیجانی و پاسخ‌دهی مناسب به آنهاست؛ بنابراین وقتی همدلی (به‌عنوان ترکیبی از مؤلفه‌های شناختی و عاطفی) تقویت شود، انتظار می‌رود کودک در شروع تعامل، تداوم ارتباط، مشارکت اجتماعی و حتی کاهش رفتارهای زیان‌بخش اجتماعی عملکرد بهتری نشان دهد. این منطق با

ادبیات داخلی‌ای که همدلی و مهارت‌های اجتماعی را قابل آموزش و اثرگذار بر روابط اجتماعی می‌دانند همخوان است؛ برای مثال نتایج مرادی و همکاران (۱۴۰۲) درباره بهبود خودپنداره و جرأت‌ورزی پس از آموزش مهارت‌های ارتباطی، نشان می‌دهد سازه‌های «خودتنظیمی اجتماعی» و «براز وجود» می‌توانند تعامل اجتماعی را تقویت کنند؛ همدلی نیز در همین منظومه قرار می‌گیرد و می‌تواند کیفیت تعامل را از سطح «رفتار بیرونی» به سطح «درک متقابل» ارتقا دهد. از سوی دیگر، پژوهش‌های مداخله‌ای قصه‌خوانی (عبداله‌زاده، ۱۴۰۳) نیز معمولاً از مسیر مواجهه کودک با دیدگاه‌های متفاوت، گفتگو، و روایت‌محوری، زمینه رشد فهم اجتماعی و همدلی را تقویت می‌کنند و همین امر به ارتقای تعاملات اجتماعی منجر می‌شود؛ پس نتیجه پژوهش حاضر با این خط کلی پیشینه داخلی همسو است.

در ادبیات خارجی نیز رابطه همدلی و تعامل اجتماعی به‌عنوان یک محور کلیدی در شناخت اجتماعی اختلال طیف اتیسم مطرح است؛ کامیلیری و همکاران (۲۰۲۴) افزایش همدلی را پیامد فعالیت‌های هنری گروهی دانسته‌اند و ووگل و همکاران (۲۰۲۵) نیز همدلی را عامل کاهش انزوای هیجانی و بهبود روابط معرفی کرده‌اند، که این موارد به‌طور مستقیم رابطه همدلی و تعامل اجتماعی را تقویت می‌کنند. همچنین یافته‌های رایت (۲۰۲۳) درباره نقش هنردرمانی در ارتباط و تنظیم هیجان نشان می‌دهد وقتی فرد بتواند احساسات خود را بهتر درک و مدیریت کند، ظرفیت پاسخ‌دهی اجتماعی نیز بهبود می‌یابد؛ زیرا تعامل اجتماعی در بسیاری موارد، به تنظیم هیجان در لحظه وابسته است. البته باید توجه داشت که در برخی رویکردهای جدیدتر، مشکلات اجتماعی در اختلال طیف اتیسم فقط به «نقص فرد اوتیستیک» فروکاسته نمی‌شود و بر «عدم تطابق سبک‌های ارتباطی» بین افراد اتیستیک و غیر اتیستیک تأکید می‌شود (دیویس و کرامپتون، ۲۰۲۱)؛ این دیدگاه به معنای نفی نقش همدلی نیست، بلکه یادآوری می‌کند که همدلی و تعامل اجتماعی در یک بافت دوطرفه شکل می‌گیرند و کیفیت محیط، پذیرش همسالان، و شیوه‌های ارتباطی اطرافیان نیز در ظهور تعامل مؤثر نقش دارد. با جمع‌بندی این نکات می‌توان گفت تأیید فرضیه سوم در پژوهش حاضر همسو با بخش عمده پیشینه است و نشان می‌دهد ارتقای همدلی می‌تواند یکی از اهرم‌های کلیدی برای بهبود تعامل اجتماعی کودکان با اختلال طیف اتیسم باشد؛ به‌ویژه اگر مداخلات به‌گونه‌ای طراحی شوند که همدلی شناختی (درک دیدگاه دیگری) و همدلی عاطفی (هم‌احساسی) را به صورت توأمان هدف بگیرند و فرصت تمرین واقعی در موقعیت‌های اجتماعی فراهم کنند.

یافته‌های پژوهش حاضر در راستای فرضیه آخر نشان داد همدلی نقش میانجی معناداری در رابطه فعالیت‌های هنری و تعاملات اجتماعی دارد $(\beta = 0.109, t = 488/2, p = 0.013)$ ؛ این نتیجه از نظر تئوریک بسیار ارزشمند است، زیرا روشن می‌کند که اثر هنر صرفاً یک اثر «رفتاری سطحی» نیست، بلکه می‌تواند از مسیر یک سازوکار روان‌شناختی -

اجتماعی (همدلی) منتقل شود و به تغییرات تعاملی پایدارتر منجر گردد. به بیان دیگر، کودک با مشارکت در فعالیت هنری ممکن است ابتدا در سطح درون‌فردی تغییر کند (تشخیص و بیان هیجان، کاهش تنش، تجربه موفقیت)، سپس این تغییرات درون‌فردی به «درک هیجان دیگران» و «پاسخ‌دهی همدلانه» گسترش یابد، و نهایتاً همین پاسخ‌دهی همدلانه کیفیت تعامل اجتماعی را افزایش دهد. این زنجیره دقیقاً با تصویری که در ادبیات هنردرمانی ارائه می‌شود همخوان است: هنر به کودک امکان می‌دهد بدون فشار زبانی وارد میدان ارتباط شود، رابطه درمانی/گروهی را تجربه کند، هیجان را تنظیم کند و سپس وارد تعامل معنادار گردد که با یافته‌های پژوهش قدملی راده، ۱۴۰۴، ووگل و همکاران، ۲۰۲۵) همسو است. بنابراین اگر هدف، بهبود تعاملات اجتماعی است، برنامه‌های هنری باید فقط به انجام فعالیت محدود نشوند، بلکه باید به‌طور طراحی‌شده فرصت‌هایی برای دیدن احساس دیگری، بازتاب هیجانی، گفت‌وگوی هدایت‌شده درباره آثار، و تمرین پاسخ همدلانه فراهم کنند تا مسیر میانجی‌گر همدلی فعال‌تر شود و اثرات تعاملی تقویت گردد.

نتیجه‌گیری

مجموع نتایج نشان می‌دهد فعالیت‌های هنری می‌توانند هم به‌صورت مستقیم و هم به‌صورت غیرمستقیم (از طریق افزایش همدلی) به بهبود تعاملات اجتماعی کودکان با اختلال طیف اتیسم کمک کنند. در حقیقت، سازوکارهای هیجانی-اجتماعی مانند همدلی نقش کلیدی در انتقال اثر هنر به رفتارهای اجتماعی دارند؛ بنابراین، برنامه‌های هنری زمانی اثربخش‌تر خواهند بود که به‌صورت هدفمند، منظم، تعاملی و با تمرکز بر مؤلفه‌های همدلانه طراحی شوند.

نمونه پژوهشی محدود به استان تهران و گروه سنی مشخص، محدودیت جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه، احتمال دریافت خدمات دیگر کودکان تحت مطالعه از دارودرمانی، گفتاردرمانی و کار درمانی و همچنین رصد اثرات در مدت زمان کوتاه به عنوان محدودیت‌های پژوهش حاضر مطرح می‌شوند که منطقی است تعمیم نتایج به جامعه بزرگ‌تر با در نظر گرفتن جوانب احتیاط صورت پذیرد. همچنین موارد زیر به عنوان پیشنهادها برای کاربردی‌مبانی بر یافته‌های پژوهش مطرح می‌شود:

جلسات منظم با اهداف مشخص (تمرکز مشترک، نوبت‌گیری، همکاری، و بازخورد همدلانه) طراحی شود تا اثرات تعاملی تقویت گردد؛ همچنین پس از هر فعالیت، زمان کوتاهی برای گفت‌وگو یا نمایش اثر و نام‌گذاری احساسات (خود و دیگران) اختصاص یابد تا مسیر رشد همدلی فعال‌تر شود. راهنمای ساده‌ای از تمرین‌های هنری خانگی و شیوه تقویت همدلی/تعامل (تقویت مثبت، الگودهی، سؤال‌های باز درباره احساسات) ارائه شود. و نوع ابزار هنری، مدت فعالیت و میزان تعامل گروهی متناسب با سطح کارکرد کودک (سطوح مختلف اختلال طیف

اتیسم، حساسیت حسی و توان زبانی) تنظیم شود تا مقاومت و فرسودگی کاهش یابد.

مشارکت نویسندگان

مقاله حاضر با راهنمایی نویسنده اول و مستخرج از پایان نامه نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم نگارش شده است و کلیه نویسندگان در تمام مراحل نگارش مشارکت داشته‌اند.

تشکر و قدردانی

مقاله حاضر مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده دوم از دانشگاه علوم و تحقیقات است؛ لذا بدینوسیله از کلیه افرادی که در انجام پژوهش یاری رسان بودند تشکر و قدردانی می‌شود.

تعارض منافع

«هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است»



COPYRIGHTS

©2026 The author (s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

References

- Abdulah, D. M., Abdulla, B. M. O., & Liamputtong, P. (2023). *Impact of short and intensive art-based intervention on symptomatology and social interactions among children with autism spectrum disorder. Clinical and Experimental Pediatrics*, 66 (10), 447.
- Alahmari, A., Alshahrani, M., & Alotaibi, R. (2025). *Anxiety and self-esteem among children with autism spectrum disorder: A comparative study. Journal of Developmental and Behavioral Pediatrics. Published in final edited form as: Clin Psychol Rev*, 29 (3), 216–229
- American Psychiatric Association. (2013). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders (DSM-5)*.
- An, Q. (2025). *The Impact of Art-Based Interventions on Emotional Regulation in Chinese Children with Autism: A Drawing Therapy Approach. Journal of Autism and Developmental Disorders*, 1 (1), 1-8.
- Azizi, M., Alizadeh, H., Poushneh, K., & Tajalli, P. (2023). Design and Content Validity Assessment of a Joint Attention Training Program for

- Children with Autism Spectrum Disorder. *Journal of Exceptional Education*, 23 (2), 9–25. (in Persian)
- Azin, S. , esfahani, M. and sadat, M. (2024). Relationship Between Knowledge Management and Information Seeking Behavior with Primary Teachers' Preferred Teaching Style: The Mediating Role of Teachers' Creativity. *Research and Innovation in Primary Education*, 6 (2), 163-180. doi: 10.48310/reek.2024.16567.1322\ [In Persian]
- Bakhshi, M., Marvati, Z., Elahi, T., & Shah Mohammadian, S. (2018). The Effectiveness of Art Therapy on Social-Communication Skills, Emotion Regulation, and Behavioral Flexibility in Children with Autism Spectrum Disorders. *Journal of Exceptional Individuals Psychology*, 8 (30), 155–177. SID. <https://sid.ir/paper/208343/fa> (in Persian)
- Bernier, A., Ratcliff, K., Hilton, C., Fingerhut, P., & Li, C. Y. (2022). *Art interventions for children with autism spectrum disorder: A scoping review. American Journal of Occupational Therapy*, 76 (5), 823-835.
- Camilleri, A., Rizzo, A., & Martelli, L. (2024). *Art therapy, empathy, and social cognition in children with autism spectrum disorder: A pathway for social engagement. Frontiers in Psychology*, 15 (1), 139-148.
- Davis, R., & Crompton, C.J. (2021). What do new findings about social interaction in autistic adults mean for neuro developmental research?. *Perspectives on Psychological Science*, 16 (3), 649-653.
- Deleon, A. (2024). *Art Therapy as a tool to Enhance Social Skills in Children with Autism Spectrum Disorder. Graduate School of Arts and Social Sciences*. 3 (1), 450-459.
- Denham, S. A., & Burton, R. (2021). *Social and Emotional Prevention and Intervention Programming for Preschoolers*. New York: Kluwer Academic /Plenum Publishers.
- Ehyae, A., Fathabadi, R., & Bakhtiarvand, M. (2021). Autism Spectrum Disorder in the Fifth Edition of the Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders. National Conference on Family, Autism Spectrum Disorder and Related Challenges, Allameh Tabataba'i University. (in Persian)
- Eftekhari, H. (2025). Investigation of the Effectiveness of Reflective Thinking Training on Enhancing Social Skills of Sixth Grade Students in Meshkan City. *Quarterly journal of research in social studies education*, 7 (2), 20-40. doi: 10.48310/rsse.2025.19095.1259 (in Persian)
- esmi josheghani, Z. (2022). Evaluation of the relationship between social skills and citizen education in secondary school sociology books. *Quarterly journal of research in social studies education*, 4 (2), 7-20. (in Persian)
- Ghodmalizadeh, L. (2025). Investigating the Impact of Painting and Art Therapy Activities on Enhancing Communication Skills and Social Interaction in Children with Autism. Fourth National Conference on Developmental and Educational Psychology. (in Persian)

- Guerrera S, Pontillo M, Tata MC, Di Vincenzo C, Bellantoni D, Napoli E, Valeri G, Vicari S. Anxiety in Autism Spectrum Disorder: Clinical Characteristics and the Role of the Family. *Brain Sci.* 2022 Nov 22;12 (12):1597. doi: 10.3390/brainsci12121597. PMID: 36552057; PMCID: PMC9775263
- Lavric, M., & Soponaru, C. (2023). Art therapy and social emotional development in students with special educational needs: effects on anxiety, empathy, and prosocial behaviour. *Revista Romaneasca Pentru Educatie Multidimensionala*, 15 (1), 187-195.
- Lopez-Escribano, C., & Orio-Aparicio, C. (2024). Creative art interventions and socio-emotional skills in children with autism spectrum disorder. *Early Child Development and Care*, 194 (3), 456–472.
- Lopez-Escribano, C., & Orio-Aparicio, C. (2024). Creative art interventions and socio-emotional skills in children with autism spectrum disorder. *Early Child Development and Care*, 194 (3), 456–472.
- Malhotra, B. (2019). Art therapy with puppet making to promote emotional empathy for an adolescent with autism. *Art Therapy*, 36 (4), 183-191.
- Mo, J., Zhang, L., & Zhao, H. (2025). Visual art activities and social competence in autistic children: Evidence from behavioral intervention studies. *Journal of Autism and Developmental Disorders*, 55 (5), 2310–2324
- Moghaddam, K., Mohammadi, A. Z., Daramadi, P. S., & Afrooz, G. (2016). Effect of the family-based art therapy program on the social interactions, verbal skills and stereotypic behaviors of children with autism spectrum disorders (ASD). *Iranian journal of public health*, 45 (6), 830.
- Moradi, Z., Keshavarz, A. M., & Afhami, R. (2023). Systematic Review of Art Intervention Studies and Their Role in Improving Autism Spectrum Disorder in the Years 2001-2021. *JOEC* 2024; 24 (1) : 6. doi: [10.52547/joec.24.1.77](https://doi.org/10.52547/joec.24.1.77) (in Persian)
- morovat, B. (2025). Analyzing the impact of social networks on social and emotional relationships between students and teachers. *Quarterly journal of research in social studies education*, 7 (1), 65-86. doi: [10.48310/rsse.2025.4383](https://doi.org/10.48310/rsse.2025.4383). (in Persian)
- Ploeger, A. (2021). Autism Spectrum Disorder. In: Shackelford, T.K., Weekes-Shackelford, V.A. (eds) *Encyclopedia of Evolutionary Psychological Science*. Encyclopedia of Evolutionary Psychological Science Publisher: Springer Nature
- Ross, P., McDonald, K., & Goldstein, A. (2020). Empathy in autism spectrum disorder: A systematic review of emotional and cognitive components. *Neuroscience & Biobehavioral Reviews*, 1 (1), 1-12.
- Sa'adat-Yar, Nesa; Habibi, Maliheh; Kohan-Sal, Laleh; As'adi, Sohila; Sobhani, Negar. (2024). Effectiveness of Floortime Play Therapy on Emotion Regulation and Symptom Severity in Children with Autism Spectrum Disorder. *Ravayesh Psychology*, 13 (4), 225–234.

- Sadeghi, A. (2023). *The place of Art Education in Farhangian University Curriculum (Case study: The use of artistic literacy in drawing topographic maps)*. *Quarterly journal of research in social studies education*, 5 (3), 1-16. doi: 10.48310/rsse.2024.15743.1179 (in Persian)
- Shaweisi S, Hasanzadeh S, Arjmandnia A A. (2025). The Mediating Role of Self-Compassion in the Relationship between Parental Stress and Psychological Distress in Parents of Children with Autism Spectrum Disorder. *Rooyesh*. 14 (5), 1-10. URL: <http://frooyesh.ir/article-1-5863-fa.html>. (in Persian)
- Schweizer, C., Knorth, E. J., & Spreen, M. (2024). *Creative arts therapy for autistic children: A systematic review*. *The Arts in Psychotherapy*, 89 (1), 102-115.
- Suarez, M., Castillo, P., & Hernández, M. (2021). *Neural effects of art-based interventions in children with neurodevelopmental disorders: A review*. *Brain Sciences*, 11 (7), 924-936.
- Tsirigoti, A., & Georgiadi, M. (2024). *The Efficacy of Music Therapy Programs on the Development of Social Communication in Children with Autism Spectrum Disorder: A Systematic Review*. *Education Sciences*, 14 (4), 373-388.
- Vogel, T., Jensen, R., & Liu, C. (2025). *Empathy development and social communication in children with autism spectrum disorder: Recent advances and intervention perspectives*. *Child Neuropsychology*, 31 (1), 74-93
- Vygotsky, L. S. (1978). *Mind in Society: The Development of Higher Psychological Processes*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- White, S.J. *The Triple I Hypothesis: Taking Another ('s) Perspective on Executive Dysfunction in Autism*. *J Autism Dev Disord* 43, 114-121 (2013). <https://doi.org/10.1007/s10803-012-1550-8>
- Wright, A.C. (2023). *Art therapy with an autistic person with learning disabilities: communication and emotional regulation*. *International Journal of Art Therapy*, 28 (4), 154-166.
- Zhang, B., Liang, S., Chen, J., Chen, L., Chen, W., Tu, S., ... & Chu, L. (2022). *Effectiveness of peer-mediated intervention on social skills for children with autism spectrum disorder: a randomized controlled trial*. *Translational Pediatrics*, 11 (5), 663.